



MLJ

مجله حقوق پزشکی

ویژه نامه نوآوری حقوقی، ۱۴۰۰

Journal Homepage: <http://ijmedicallaw.ir>



انجمن علمی حقوق پزشکی ایران

مقاله پژوهشی

حدود و ثغور حقوق و آزادی‌های بنیادین با جرائم علیه امنیت ملی از نظر حقوق کیفری اسلام

محدثه هاشمیان جزی^۱، سید حسین هاشمی^{۲*}، محمدابراهیم شمس ناتری^۳

۱. دانشجوی دکتری، گروه حقوق، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

۲. دانشیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه مفید، قم، ایران.

۳. دانشیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه پردیس فارابی، قم، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: سازگاری و تطبیق دادن حقوق و آزادی‌های بنیادین انسانی با مسائلی نظیر امنیت ملی یکی از دشواری‌های هر نظام سیاسی و حقوقی است. با توجه به اهمیت بحث، مقاله حاضر درصدد است تا حدود و ثغور آزادی‌های بنیادین با جرائم علیه امنیت ملی از منظر حقوق کیفری اسلام را مورد بررسی قرار دهد.

مواد و روش‌ها: تحقیق حاضر از نوع بنیادی و نظری است. گردآوری مطالب مقاله حاضر نیز با بهره‌گیری از کتب، مقالات و پژوهش‌های صورت گرفته است.

یافته‌ها: عدم امنیت و مصونیت افراد از تهدیدات داخلی و خارجی، نمی‌تواند جامعه‌ای آزاد و مبتنی بر حقوق بنیادین بشری را سامان ببخشد. فلسفه حاکم‌شدن حقوق کیفری در اسلام، برقراری امنیت برای همه شهروندان است که تحت عنوان امنیت ملی نیز خوانده می‌شود.

ملاحظات اخلاقی: پژوهش حاضر با در نظر گرفتن اصول ارجاع‌دهی، بهره‌گیری دقیق و متناسب از منابع علمی و رعایت شیوه‌نامه‌های اخلاقی و علمی در بهره‌گیری از منابع استفاده‌شده نگارش شده است.

نتیجه‌گیری: اتخاذ مواضع مجازات‌گونه برای فعالیت‌های مسلحانه و تروریستی، افراد محارب، باغی و شورشگر، تنها در راستای برقراری امنیت در جامعه اسلامی است. دستیابی به امنیت ملی نیازمند حقوق کیفری است. از این رو تزامنی میان آزادی‌های بنیادین و امنیت ملی در جامعه اسلامی وجود ندارد.

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۱۳

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۱۱/۲۷

واژگان کلیدی:

آزادی‌های بنیادین

حقوق کیفری

حقوق بشر

حقوق اسلامی

امنیت ملی

* نویسنده مسئول:

سید حسین هاشمی

آدرس پستی: ایران، قم، دانشگاه

مفید، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی.

کد پستی: ۳۷۱۶۹-۶۷۷۷۷

تلفن: ۲۵-۳۲۹۲۵۷۶۱

پست الکترونیک:

Shhashemi@gmail.com

۱. مقدمه

بی‌شک آزادی و امنیت دو کلید دستیابی به یک جامعه متمدنی و حکومتی مردمی است. در پرتو این دو اصل است که هرگونه تهدید خودسرانه آزادی و امنیت شخصی ممنوع بوده و سلب آزادی نیز استثنایی است که تنها به وسیله مرجع صالح قانونی و مستند به آیین دادرسی قانونی و با رعایت موازینی که از احترام به اصل آزادبودن افراد ناشی می‌شود، امکان‌پذیر می‌گردد. با این حال همواره در طول تاریخ میان امنیت و حقوق بنیادین و آزادی افراد تعارضی جالب توجه و غیر قابل حل وجود داشته است. پارادوکسی که اگر توان توازن میان آن‌ها میسر گردد، موجبات قطعی رشد یک نظام حقوقی و بالتبع کشور را هموار خواهد کرد. تکون، تکامل و تطور تعارض امنیت با حقوق بنیادین چنان جایگاهی در نظام‌های حقوقی یافته است که بحثی اساسی در ارتباط این دو شکل داده‌اند. باید دانست چنانچه این پارادوکس در جهت کنترل متقابل و منطقی هریک از دو مفهوم امنیت و آزادی به کار گرفته شود، مفید و مقبول است. نقطه اوج مقابله با حقوق و آزادی‌های بنیادین زمانی است که اتهام یا جرمی علیه امنیت ملی رخ می‌دهد که براساس آن صدمه و لطمه به حاکمیت، اقتدار، منافع، مصالح، استقلال و تمامیت ارضی کشور مطرح می‌گردد. اینجاست که اوج تعارض حقوق و آزادی‌های بنیادین با جرائم علیه امنیت ملی مطرح می‌گردد. بنابراین آنچه در حمایت کیفری از حقوق و آزادی‌های بنیادین اهمیت اساسی می‌یابد، چگونگی تأمین حمایت است. در واقع در مقوله حقوق کیفری آنگاه که پای منافع ملت و حکومت مطرح می‌شود، یعنی جرائمی که زیان‌دیده آن مردم و هیأت حاکمه (در اینجا حاکم عادل) است، اتخاذ تصمیم میان برقراری امنیت ملی و یا مقدم دانستن حقوق و آزادی‌های بنیادین یکی از دشواری‌های نظام حقوقی و سیاسی را نشان می‌دهد.

با توجه به اهمیت مقدم‌دانستن امنیت بر حقوق و یا حقوق بر امنیت، نظام‌های حقوق کیفری رویکردهای خاصی در پیش می‌گیرند، بدین ترتیب این سؤال مطرح است که با رخ دادن جرائم علیه امنیت ملی در جامعه اسلامی، حقوق کیفری چگونه می‌تواند توازنی میان حقوق مردم و حاکمیت برقرار

نماید و اصولاً حوزه گستره حقوق جزا تا به کجاست و آیا می‌توان همه موارد را جرم‌انگاری نمود؟ فرضیه‌ای که مقاله حاضر به بحث می‌گذارد، این است: دستیابی به حقوق و آزادی‌های بنیادین در نزد آموزه‌های اسلامی نیازمند اتخاذ رویه کیفری برای کسانی است که به دلایل مختلف باعث برهم‌زدن نظم و امنیت عمومی جامعه به تبع آن تهدید حقوق شهروندان می‌شوند.

۲. ملاحظات اخلاقی

پژوهش حاضر رعایت اصول اخلاقی را از جهات مختلفی از جمله بهره‌برداری علمی و اخلاقی از منابع علمی و همچنین حرکت بر مبنای اصالت داشتن تحقیق در نظر داشته و ملاک قرار داده است.

۳. مواد و روش‌ها

با توجه به کیفی بودن مطالعه حاضر، روش استفاده‌شده در پژوهش، توصیفی - تحلیلی است که از منطری استدلالی نسبت به موضوع حقوق و آزادی بنیادین و جرائم علیه امنیت ملی پرداخته شده است.

۴. یافته‌ها

فقدان حقوق کیفری در اسلام به منزله فقدان حقوق و آزادی‌های بنیادین است. از این جهت حقوق کیفری در اسلام مقوم و حامی آزادی‌های بنیادین است و تعارضی با آنان ندارد. جرائمی که علیه امنیت ملی هستند و حقوق شهروندان را به عنوان حق‌الناس، بهره‌مندی شهروندان از امنیت و آسایش، حق بر حیات، حق بر آزادی بیان و عقیده در چارچوب قانون شرع را مورد تعرض قرار می‌دهند. بنابراین امنیت و تأکید بر مقولاتی نظیر امنیت ملی در حقوق کیفری اسلام، قانون اساسی ج.ا.ا و مواضع سختگیرانه در قابل برهم‌زنندگان امنیت شهروندان از جهت دیگری نیز قابل تفسیر است و آن هم نقش مؤثر امنیت در برطرف‌ساختن تهدیدات آزادی و فراهم‌شدن شرایطی برای فعالیت آزادانه شهروندان در چارچوب شرع است. به همین دلیل جرائم خطرآفرین نظیر جاسوسی،

برقراری امنیت و فراهم شدن اسباب و شرایط دستیابی به امنیت ملی، باعث کاسته شدن تهدیدات بیرونی و فراهم شدن بستری برای خودشکوفایی افراد در جامعه اسلامی است. بنابراین حقوق کیفری برای برقراری امنیت ملی به معنای حمایت از آزادی تلقی شده است که در پژوهش‌های دیگر بدان توجه نشده است.

۵-۳. اهمیت و ضرورت تحقیق

دفاع از حقوق و آزادی‌های بنیادین و همچنین دفاع از امنیت ملی در نظام‌های حقوقی و سیاسی یک چالش عمده محسوب می‌شود. به همین دلیل تحلیل ارتباط میان حمایت کیفری از حقوق بنیادین و حفظ چارچوب‌های نظام سیاسی در جرائم علیه امنیت ملی یک وظیفه اساسی در نظام‌های سیاسی است. همچنین تبیین اهمیت حمایت کیفری از حقوق بنیادین با رعایت امنیت ملی و مقابله با جرائم سازمان‌یافته و در نظر گرفتن مجازات مشخص برای آن جرائم، نیازمند ایجاد سازش میان دو مقوله حقوق و آزادی‌های بنیادین و جرائم علیه امنیت ملی است. همچنین ضرورت برقراری توازن میان دو مقوله آزادی بنیادین و جرائم علیه امنیت ملی، پژوهش حاضر درصدد است تا این شرایط را در پرتو حقوق کیفری اسلام مورد بحث و بررسی قرار دهد و در نهایت رویکردی ارائه کند که در پرتو آن بتوان با توجه به حقوق کیفری در اسلام، سازش میان آزادی‌های بنیادین و جرائم علیه امنیت ملی را توجیه نمود.

۵-۴. محدودیت‌های تحقیق

مهم‌ترین محدودیت پیش روی تحقیق حاضر، عدم پرداختن به مقوله امنیت ملی از نگاه متفکران مختلف است. همچنین رویکردهای مختلف حقوق کیفری در جهان و حتی اسناد بین‌المللی نسبت به حقوق بنیادین و جرائم علیه امنیت ملی نیز مورد توجه پژوهش حاضر نبوده است. بنابراین چارچوب بحث حاضر در راستای مقوله امنیت ملی و حدود و ثغور آزادی‌های بنیادین بر مبنای حقوق کیفری اسلام با رجوع به قانون اساسی و دیدگاه فقها و حقوقدانان احصا شده است.

محاربه، فعالیت مسلحانه، شورش و باغی‌گرایانه، مشمول مجازات‌های سهمگینی هستند که حقوق کیفری اسلام بر آن تأکید می‌نماید. احکام مختلفی برای محاربه، افساد فی الارض و جاسوسی در نظر گرفته شده است که همگی در راستای اقدام علیه امنیت ملی تفسیر شده و نیازمند اتخاذ مواضع سختگیرانه هستند تا آزادی‌های بنیادین حاصل شود.

۵. بحث

۵-۱. پیشینه تحقیق

تحقیقات انجام‌شده در حوزه حقوق کیفری و جرائم علیه امنیت ملی بسیار گسترده و متنوع هستند که در چند دسته جای می‌گیرند:

- ۱- تحقیقاتی که صرفاً به مبحث امنیت ملی پرداخته و از منظری سیاسی و حقوقی بدان توجه نشان داده‌اند و تا حدودی، امنیت را بر آزادی ترجیح می‌دهند؛ ۲- رویکردهایی که آزادی را مقدم بر هرگونه فعالیت حقوقی و کیفری می‌دانند که این رویکرد، غالباً با تکیه بر آموزه‌های لیبرالی بنا شده است؛ ۳- رویکردهای دیگری که قواعد و قوانین سختگیرانه را برای برقراری امنیت ملی و مقدم دانستن امنیت بر همه حقوق و بازگذاشتن دست دولت و حاکم برای مقابله با تهدیدات داخلی و بیرونی را مد نظر قرار داده‌اند.
- با این حال، مقاله حاضر درصدد فراوری از این دیدگاه و اتخاذ رویکرد جدیدی است که بتواند حدود و ثغور آزادی‌های بنیادین را با توجه به جرائم علیه امنیت ملی از منظر حقوق کیفری مورد توجه قرار دهد. بنابراین رویکرد پژوهش حاضر، رویکردی بنیابین و جدید است.

۵-۲. نوآوری تحقیق

مهم‌ترین نوآوری تحقیق حاضر، بررسی رویکرد جدیدی است که می‌تواند سازشی میان حقوق و آزادی‌های بنیادین و همچنین جرائم علیه امنیت ملی برقرار نماید. نکته مهم آن است که در این رویکرد جدید، حقوق و آزادی‌های بنیادین و جرائم علیه امنیت ملی نه در تقابل با یکدیگر، بلکه مقوم و پشتوانه یکدیگر تلقی می‌شود. به لحاظ تقدم نیز باید گفت که

۵-۵. امنیت ملی

در حالی که کلمات «ملی» و «امنیت» و نیز معادل آن‌ها در زبان‌های دیگر، هر دو در زمره مفاهیم قدیمی هستند، اما ترکیب آن‌ها با یکدیگر یک پدیده جدید محسوب می‌شود (۱). معنادرین مفهوم امنیت ملی در جهان امروز کار پیچیده‌ای است و دیدگاه‌های مختلفی نسبت به آن وجود دارد. اغلب نظریه‌پردازان و مکاتبی که در قرن اخیر برای تعریف این واژه «پررمز و راز»، «مبهم»، «چند وجهی» و به عبارتی تو خالی، کوشیده‌اند، معتقدند امنیت ملی از لحاظ مفهومی ضعیف و از نظر تعریف مهم، اما از نظر سیاسی، مفهومی قدرتمند باقی مانده است و یا اینکه امنیت یک مفهوم چند وجهی است. به همین دلیل درباره معنای آن اختلاف نظر زیادی وجود دارد. تعاریف مندرج در فرهنگ‌های لغت درباره مفهوم کلی امنیت، بر روی احساس آزادی از ترس یا احساس ایمنی که ناظر بر امنیت مادی و روانی است، تأکید دارند (۲). اغلب اندیشمندان از امنیت به عنوان حیاتی‌ترین و مبهم‌ترین نیاز بشر برای یک زندگی اجتماعی از دورانی که انسان‌ها زندگی جمعی را آغاز نموده تا به امروز که جهان به سمت نظامی یکپارچه به پیش می‌رود، یاد کرده‌اند، اما امنیت ملی به آن معنا که بتواند حقوق ملت را از حیث تهدیدات داخلی و خارجی مبرا نگه دارد، واجد رویکرد حقوقی نیز می‌باشد که مورد حمایت مقررات داخلی هر کشوری نیز قرار می‌گیرد. در این صورت، عدول از مرزهای تعریف‌شده مستوجب مجازات برای متخلفان است. علیرغم تعاریف متعددی که از امنیت ملی ارائه شده است، می‌توان گفت: «یک ملت وقتی امنیت دارد که مجبور نباشد منافع مشروع خویش را برای احتراز از جنگ، قربانی کند و در صورت لزوم نیز قادر باشد که منافع مشروع خویش را از طریق جنگیدن حفظ کند» (۳). در این صورت، امنیت ملی نیز بر حفظ حقوق بنیادین انسان‌ها در جامعه و ضرورت محافظت از آنان تأکید می‌ورزد، اما چالش اصلی جایی رخ می‌دهد که تعاریف و برداشت‌ها از امنیت ملی، حدود و ثغور آزادی‌های بنیادین را تحت تأثیر قرار دهد و یکی، دیگری را به عقب رانده یا مانع تحقق آن شود. به همین دلیل یکی از

مباحث حقوق کیفری، دفاع از حقوق و آزادی‌های بنیادین با در نظر گرفتن جرائم علیه امنیت ملی است.

۵-۶. حقوق کیفری و آزادی‌های بنیادین

برای شناسایی و پی‌بردن به حقوق و آزادی‌های بنیادین در سطح بین‌الملل نیازمند در نظر گرفتن اعلامیه حقوق بشر و همچنین نسل‌های متعدد حقوق بشری هستیم که غالباً مورد پذیرش نظام‌های سیاسی در سطح جهان قرار گرفته است. به عبارتی دیگر، برای آنکه بتوان مجموعه مشترکی از حقوق بشر را بشناسیم، نیازمند ارتباط منطقی و وابستگی متقابل میان نسل‌های متعدد حقوق بشر هستیم (۴). با عنایت به اعلامیه حقوق بشر و همچنین نسل‌های حقوق بشری، می‌توان حقوق و آزادی‌های بنیادین را شامل حق داشتن مسکن مناسب، مراقبت‌های بهداشتی، حق کار، حق بهره‌مندی از حداقل امکانات معیشتی، داشتن حقوق و آزادی یکسان و بدون تبعیض، امنیت، نفی بردگی، شکنجه، تساوی در برابر قانون، نفی توقیف، حبس یا تبعید خودسرانه، حق دادرسی عادلانه و علنی، اصل برائت، امنیت زندگی خصوصی، حق اقامت آزاد، حق تابعیت، حق ازدواج و مالکیت، آزادی فکر، عقیده و مذهب و بیان، شرکت در مجامع، حق انتخاب و... در نظر گرفت. این موارد به شکل مشابه و یا در قالب عناوین دیگری در قانون اساسی ج.ا.ا نیز قابل مشاهده است.

با این حال، حقوق کیفری اسلامی نگرش متفاوتی نسبت به سایر روش‌ها در پیش گرفته است و با اهمیت قائل شدن به آزادی‌های بنیادین بشری و امنیت شهروندان، مصادیق و دلایل مجازات کیفری برای بهبود زندگی افراد در جامعه اسلامی را مطرح کرده است. بنابراین حدود و ثغور آزادی‌های بنیادین در مقوله آزادی بیان در حقوق کیفری اسلام، هم ناظر بر رفتارها و اعمال شهروندان است و هم اینکه مرزها را برای دولت روشن می‌سازد، زیرا نقض حقوق و آزادی‌های بنیادین از سوی دولت نیز یکی از خطرات جدی برای تهدید امنیت روانی و اجتماعی شهروندان است. به عنوان مثال یکی از اساسی‌ترین ابزارهای مجرم‌انگاری و برچسب‌زنی، رسانه‌ها هستند که در نظام‌های فاقد سازوکارهای نظارت‌کننده بر آزادی بیان و

محدودیت آن، برای سوءاستفاده از حقوق شهروندان به کار گرفته می‌شود. این رویکرد در نظام‌های سیاسی اقتدارگرا و توتالیتر دیده می‌شود (۵). بر همین اساس، ماده ۳۳ قانون مطبوعات در جمهوری اسلامی ایران در زمینه آزادی مطبوعات بیان می‌دارد: «مطبوعات حق دارند نظرات، انتقادات سازنده، پیشنهادات و مسائل مردم و مسؤولین را با رعایت موازین اسلامی و حفظ مصالح جامعه، درج و به اطلاع عموم برسانند.»

حقوق کیفری و آزادی بنیادین در دیدگاه حقوق اسلامی از آنجایی به هم پیوند می‌خورند که بر مبنای بینش حکومتداری در اسلام، منافع حیاتی و اساسی آحاد جامعه مورد تعرض قرار نگیرد. به طور مشخص، مقصود از منافع حیاتی و اساسی نیز امنیت داخلی و خارجی و همچنین برقراری آسایش عمومی شهروندان است (۶). بنابراین اعطای حقوق و آزادی بنیادین می‌بایست به نحوی باشد که سازشی میان حقوق شهروندان از حیث فردی و اجتماعی و برقراری امنیت و آسایش عمومی ایجاد نماید. اتخاذ مجازات شدید برای جرائم علیه امنیت ملی نشانگر حاکم‌بودن تسلط مردم‌سالارانه بر مبنای اصول و قواعد دینی است که «حق الناس» را در همه ابعاد مختلف آن پذیرفته است، حتی قوانین کشور ما که منبعث از قوانین شرع اسلام است، ارتکاب جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی در خارج از قلمرو ایران را مانعی برای اعمال قانون مجازات اسلامی نسبت به این‌گونه جرائم نمی‌داند (۷)، بدین ترتیب جرائمی که خارج از قلمرو حاکمیت کشور ایران توسط هر شخص اعم از ایرانی یا غیر ایرانی ارتکاب یابد و در زمره جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی به حساب آید، مرتکب یا مرتکبان بر طبق ماده ۵ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ (در بیان صلاحیت واقعی) محاکمه و مجازات می‌شوند. همچنین ماده ۳ قانون م.ا. مصوب ۱۳۹۲ نیز به همین مسأله اشاره کرده و رسیدگی به کلیه جرائمی که در قلمرو حاکمیت زمینی، دریایی و هوایی جمهوری اسلامی ایران ارتکاب می‌یابد را بر اساس قوانین جزایی ایران می‌داند.

حقوق کیفری در اسلام، حامی حقوق و آزادی بنیادین است. از آن جهت که حق بر امنیت نه تنها به معنای تقدم امنیت بر

حقوق و آزادی‌های بنیادین و نه نافی آن است، زیرا در این نگرش، مصونیت و امنیت افراد که در نگاه کلان امنیت ملی خوانده می‌شود، به معنای آن است که عموم مردم از هرگونه تعرض و تجاوز، مانند قتل، جرح، ضرب، توقیف، حبس، تبعید، شکنجه و سایر مجازات‌های غیر قانونی و خودسرانه یا اعمالی که در تعارض با شؤون و حیثیت انسان‌ها می‌باشد، برحذر باشند. همچنین در زندگی عموم مردم در جامعه اسلامی، اسارت، تملک و بهره‌کشی، بردگی، فحشا و... نیز نباشد. بنابراین تضمین امنیت ملی، پایه و اساس تمام آزادی‌هاست که با فقدان آن سایر آزادی‌های فردی معنی و مفهوم خود را از دست می‌دهد (۸). به همین دلیل است که قرآن کریم بارها تعرض و تجاوز به حدود دیگران را به صورت عام تحریم نموده است که خود پشتمانی برای اهمیت قائل شدن به امنیت ملی است. در قرآن کریم چنین بیان شده است: «وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» و تجاوز و تعدی نکنید، زیرا خداوند تجاوزگران را دوست نمی‌دارد (۹)، هرچند مقوله امنیت و تعیین مجازات برای کسانی که امنیت مردم را برهم می‌زنند، حائز اهمیت فراوانی است، اما روش قرآن، برای دستیابی به امنیت ملی، دشمنی را روا ندانسته است، مگر برای کسی که دشمنی کرده و حقوق افراد را پایمال کرده باشد. به فرموده قرآن کریم: «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنْ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ» و با آنان پیکار کنید تا فتنه‌ای باقی نماند (و نیرویی نداشته باشند که با آن بتوانند شما را از دینتان برگردانند) و دین (خالصانه) از آن خدا گردد (و مؤمنان جز از خدا نترسند و آزادانه به دستور آیین خویش زیست کنند) (۹).

بدین ترتیب در این رویکرد، آزادی به معنای نفی هرگونه عامل بازدارنده و تهدیدات ناشی از آن معنا می‌شود و جنگ، تروریسم، محاربه، بغی و... نافی آزادی انسانی و از بین برنده آن هستند. همچنانکه فقر، عدم آموزش و فشارهای سیاسی نیز در همین دسته قرار می‌گیرند. به طور مشخص، حقوق کیفری در زمینه ارتباط امنیت ملی و آزادی‌های بنیادین بر این باور هستند که این دو، دو روی یک سکه به شمار می‌روند. آزادی، (نه قدرت یا نظم)، امنیت واقعی را به وجود می‌آورد. بنابراین آزادی،

امنیت است (۱۰)، بدین ترتیب تقدم امنیت بر آزادی می‌بایست بدین صورت بیان شود که در حقوق کیفری اسلام، اگر امنیت نباشد و عموم مردم از مصادیق ناامنی مصون نباشند، آزادی منفی (آزادی از) و آزادی مثبت (آزادی برای) معنایی ندارد.

۵-۷. حقوق کیفری و جرائم علیه امنیت ملی

با عنایت به پیوند امنیت ملی و حقوق و آزادی‌های بنیادین می‌توان گفت از جمله استدلال‌هایی که در جهت وجود حقوق کیفری در اسلام برای برقراری امنیت در سطح جامعه می‌شود، حمایت از حق حیات به عنوان یکی از حقوق بنیادین انسانی است. به این دلیل که عدم برقراری مقررات لازم در برخورد با کسانی که حق حیات انسانی را مورد تعرض قرار می‌دهند، نوعی نقض حق حیات قربانی است. در این شرایط، عدم حمایت دولت از افراد و گروه‌هایی که در معرض تهدید هستند و حق حیات آنان توسط گروه‌ها و افراد خاصی مخدوش می‌شود، جلوه‌ای از نقض حق حیات است (۱۱). بنابراین با حاکم شدن قوانین و مقررات و همچنین مشخص شدن مصادیق جرائم علیه امنیت ملی، می‌توان علل و دلایل پیاده شدن حقوق کیفری اسلام در راستای سازگاری حقوق و آزادی‌های بنیادین و جرائم علیه امنیت ملی را مشاهده نمود.

یکی از مهم‌ترین جلوه‌های تهدید علیه امنیت ملی و نقض حقوق و آزادی‌های بنیادین بشری در اسلام، اعمال تروریستی است، زیرا اعمال تروریستی از بین‌برنده ابتدایی‌ترین حقوق انسان در جامعه اسلامی است و در حقوق کیفری اسلام، قوانین سختگیرانه‌ای در این زمینه وجود دارد، زیرا مهم‌ترین وظیفه دولت اسلامی در این زمینه، تأمین امنیت اتباع خود در مواقع بروز حادثه تروریستی است. به این دلیل که اعمال تروریستی از جمله مواردی هستند که به صورت آشکار، مانعی برای تحقق حقوق بنیادین بشری محسوب شده و این با اهداف دولت اسلامی که رعایت حقوق شهروندان را یکی از وظایف اصلی خود می‌داند، تنافی دارد. در این رابطه می‌توان به بحث آزادی عقیده و فعالیت منتقدانه در جامعه و حرکت‌های تهدیدآمیز در قالب فعالیت نظامی اشاره نمود و

تفاوت‌های آن‌ها را مورد ملاحظه قرار داد، از جمله اینکه یکی از جلوه‌های حقوق و آزادی‌های بنیادین، حق آزادی بیان و عقیده است که در قانون اساسی (اصول ۲۲ تا ۲۶ قانون اساسی) نیز پذیرفته شده است. به لحاظ مبنایی این حق در حقوق ایران مورد احترام قرار گرفته است، اما ضمانت اجرای نقض این حق، در قوانین مورد تصریح قرار نگرفته است و حدود و ثغوری برای آن مشخص نشده است. بنابراین بیم آن می‌رود که حق مذکور، در بسیاری موارد مورد تعرض قرار گرفته و خدشه‌دار گردد. بدیهی است که مخالفت کردن دارای حدود و ثغوری است که نباید موجب قرارگرفتن در مصادیق مجرمانه گردد. به عنوان مثال نباید شخص مخالف و منتقد از سوی دولت و نظام سیاسی با افترا و توهین رو به رو شود و از حقوق شهروندان درباره حقوق و آزادی‌های بنیادین آنان سوءاستفاده شود. این نکته در تمامی مواردی که حقی به اشخاص داده می‌شود، قابل اعمال است، بدین ترتیب جامعیت قوانین کیفری باید به نحوی باشد که راه را بر هرگونه تعرض و تجاوز بازدارد، چه نقض از سوی هیأت حاکمه باشد و چه از سوی شهروندان صورت گیرد. در هر دو صورت می‌بایست ضمانت اجرای مؤثر کاری در نظر گرفته شود (۱۲). به طور مصادیقی نیز حقوق کیفری داخلی کشور ما نیز نشان می‌دهد که امروزه علاوه بر حقوق جزای بین‌الملل، در حقوق داخلی نیز مفهوم «مسئولیت کیفری» به استناد ماده ۱۴۲ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲، علاوه بر اشخاص حقیقی (انسان)، به اشخاص حقوقی نظیر یک مؤسسه فرهنگی و... تسری یافته است و امکان تحقق بزه از جانب اشخاص حقوقی نیز پذیرفته شده است. بر این اساس باید همواره توجه نمود که هرچند محور بحث ارتکاب بزه از جانب اشخاص حقیقی می‌باشد، اما در جای‌جای بحث به فراخور موضوع قابلیت تسری به اشخاص حقوقی نیز وجود داشته و در برخی موارد نیز اشاره شده است. با این حال حدود و ثغور آزادی بنیادین، امنیت عموم جامعه یا امنیت ملی را به عنوان خط قرمز خود در نظر گرفته و اقدامات متخاصمانه و برهم‌زننده نظم و امنیت جامعه را تحت تعقیب شدید قرار می‌دهد، از جمله برهم‌زدن نظم و امنیت شهروندان و همچنین دست‌بردن به اسلحه از جمله مصادیق محاربه در

نظر گرفته شده است که با مجازات‌های سختی رو به رو می‌شوند. بنابراین در باب امنیت جامعه اسلامی، قانونگذار از فلسفه و اهداف مجازات دور شده و تنها چیزی که هدف وی است، حفظ امنیت از طریق اعمال شدیدترین مجازات‌ها است (۱۰). بنابراین مرز آزادی و دستیابی به آن به عنوان یکی از حقوق بنیادین انسانی در جامعه اسلامی آن است که خدش‌های بر امنیت جامعه وارد نسازد. تأکید بر ایجاد امنیت در جامعه اسلامی در راستای حفظ حقوق و آزادی‌های بنیادین تا جایی است که جرائمی نظیر محاربه و افساد فی الارض و نظایر آن‌ها، از جمله محورهای اصلی جرائم علیه امنیت ملی در حقوق کیفری ایران قرار گیرند (۱۳). جرم‌انگاری محاربه در حقوق کیفری، مبتنی بر حفظ آزادی‌های بنیادین بشری و رعایت حقوق افراد جامعه از جهات مختلفی نظیر امنیت و آسایش روانی است. بنابراین پشتوانه استدلالی محاربه به عنوان یک جرم آن است که باعث ایجاد ترس و وحشت در میان مردم می‌شود و از این جهت تردیدی در جزایی بودن فرد محارب وجود ندارد (۶). خداوند در آیات ۳۳ و ۳۴ سوره مائده موضوع و حکم محاربه را بیان فرموده و فقها با استناد به کتاب و سنت، محاربه را تعریف و احکام آن را که از حدود الهی است تبیین کرده‌اند، اما در خصوص تعریف و چگونگی تعیین مجازات آن اختلاف نظر دارند. قول مشهور فقها که قانونگذار از آن تبعیت کرده، قول به تخییر و تعیین مجازات توسط حاکم است.

آزادی عقیده و بیان در اسلام هرگز پذیرای رویکردهای متخاصم و مسلحانه نیست. به همین دلیل از نظر فقهای مختلف، درباره فتنه‌انگیزی و ایجاد ناامنی، رویکردهای سختگیرانه‌ای مطرح شده است. همچنانکه بیان می‌شود، اگر فرد محارب اقدام به کشتن انسان بی‌گناه کند، مجازات قتل برای او در نظر گرفته می‌شود. همچنین اگر اموال مردم را به وسیله سلاح و تهدید کردن ببرند، انگشتان دست و پای آن‌ها قطع می‌شود و اگر هم هم‌زمان اقدام به قتل و سرقت اموال مردم نمایند، مجازات اعدام برای آنان در نظر گرفته می‌شود، اما اگر تنها به روی مردم سلاح کشیده باشند، بدون اینکه خونی ریخته شود یا سرقتی انجام گیرد، مجازات تبعید به

شهری دیگری برای آنان منظور می‌شود (۱۴). به منظور تأمین امنیت ملی، حتی حقوق کیفری نفس تشکیل گروه برای برهم‌زدن نظم و امنیت جامعه را مصداق اخلال در امنیت کشور تلقی نموده و مجازات‌های سنگینی برای آن‌ها در نظر گرفته است که در قالب ماده ۱۸۷ و ماده ۲۸۸ قانون مجازات اسلامی به عنوان یک جرم مستقل شناسایی شده است (۱۵). گستردگی حقوق شهروندی در جامعه اسلامی باعث شده تا لزوم حمایت از همه شهروندان، حتی غیر مسلمانان به عنوان امری در راستای برقراری امنیت جامعه در نظر گرفته شود. بدون تأکید بر اینکه فرد مسلمان باشد یا نباشد. در این زمینه تأکید اسلام بر وفای به عهد و لزوم زندگی مسالمت‌آمیز است که برهم‌زدن آن، مشمول جرم محاربه است (۱۶)، هرچند در اسلام و متون فقهی، حکومت شایسته و مبتنی بر آموزه‌های شرع و رأی مردم توصیه شده است، اما آنچه لازمه برقراری نظم و امنیت، دستیابی به حقوق اقتصادی و اجتماعی و سایر حقوق بنیادین به شمار می‌رود، پذیرش یک قوه مرکزی (دولت) برای رتق و فتق امور است. به همین دلیل، در فقه از «بغی» سخن به میان آمده است که با وجود «امام عادل»، شرایط لازم برای تحقق جامعه اسلامی مطلوب وجود داشته و شورش مسلحانه علیه وی نیز جرم تلقی می‌شود (۱۷). جرم بغی به طور مشخص در نظام اسلامی کاربرد دارد، بدین معنا که باغی به کسی گفته می‌شود که در حکومت اسلامی اقدام مسلحانه علیه حاکم را در پیش می‌گیرد و اقدام به خروج در برابر حاکمیت اسلامی می‌کند. به عبارت دیگر، قربانی جرم بغی، امام عادل به طور اخص و حکومت اسلامی به طور اعم است و درباره امام غیر عادل و غیر حکومت اسلامی به طور اعم پیدا نمی‌کند (۱۸). به طور مثال می‌توان از فعالیت گروهک منافقین به عنوان بغی نام برد. برخی نیز بر این عقیده هستند که به دلیل خروج آنان از حاکمیت و فعالیت مسلحانه در جامعه اسلامی، وضعیت منافقین با بغی سازگاری بیشتری دارد تا محاربه و از این لازم است تا قواعد فقهی و مجازات مربوط به بغی در قبال آنان اعمال شود (۱۶)، هرچند که در مقام اثبات و تعیین جرم، محاربه و بغی اشتراکات زیادی با یکدیگر دارند. در هر صورت آنچه روشن است اینکه رویکرد

مراتب از فرار کردن در جنگ بیشتر است، گناه کبیره محسوب می‌شود (۲۱). بنابراین جاسوس و خیانت به کشور قطعاً از موارد تعزیر در فقه اسلام شمرده شده است که موجبات مجازات قطعی برای مجرم را در پی دارد، همچنانکه در حقوق کیفری اسلام، برای جرائمی مانند قتل عمد و جاسوسی و خیانت به کشور، مجازات اعدام یا حبس ابد در نظر گرفته شده است (۲۲).

۶. نتیجه‌گیری

اهم جرائم علیه امنیت ملی در حقوق ایران، اقدامات تروریستی و خرابکارانه، جاسوسی و خیانت به کشور، محاربه و اخلاف در امنیت راه‌ها، افساد فی الارض، بغی، نسل‌زدایی و جنایت علیه بشریت و شورش می‌باشد. موارد یادشده تنها بیانگر برقراری امنیت در جامعه نیستند، بلکه هدف اصلی آنان، حفظ حقوق آزادی‌های بنیادین بشری و در یک کلام حمایت از امنیت ملی به عنوان آنچه حقوق اساسی ملت شناخته می‌شود. در این رویکرد، توجه به امنیت نه از حیث تقدم آن بر آزادی و عناصر آن، بلکه در پیش‌گرفتن رویکردی برای دستیابی به حقوق اساسی و بنیادین انسانی از جمله آزادی‌های اساسی است. امنیت ملی در این رویکرد به معنای اصالت‌دادن به حقوق و کرامت انسانی از حیث مرتفع‌ساختن محدودیت‌ها و تهدیدات بیرونی و عوامل مزاحم در داخل جامعه اسلامی است. وظیفه دولت اسلامی نیز رعایت این حقوق بدون مداخله غیر قانونی در زندگی انسان‌هاست. بنابراین چارچوب تعیین‌شده شرع و احکام منبعث از آن، قانون اساسی و همچنین حقوق کیفری عادلانه برای برقراری امنیت ملی و حفظ حقوق شهروندان است. بنابراین در این رویکرد تزامنی میان حقوق انسانی و امنیت ملی وجود ندارد، هرچند از حیث انتقادی باید گفت که تقدم امنیت بر حقوق و آزادی بنیادین، در برخی موارد به صورت افراطی مورد توجه مقنن قرار گرفته است، به نحوی که می‌توان چنین گفت که در در حقوق کیفری ایران مقنن به طور نسبی اقدامات محل امنیت عمومی را مقدم داشته و تقدم آن بر حقوق و منافع فردی را تأیید نموده است. به دیگر عبارت تقدم امنیت بر حقوق شهروندی در نظام حقوقی ایران

حقوق کیفری اسلام در خصوص حقوق و آزادی‌های بنیادین، شدت و سختگیری زیاد در مورد رفتارهای مجرمانه‌ای است که امنیت و آسایش شهروندان را در معرض خطر قرار می‌دهد (۱۹)، ضمن اینکه مقوله بغی و جرم‌انگاری آن، با شناخت و آگاهی مردم و حاکمان در ارتباط است و اگر حقوق دو طرف به خوبی شناخته شود و بسترهای لازم برای پایبندی جدی به آن‌ها فراهم گردد، بغی و تمرد در جامعه نیز به حداقل ممکن فروکش خواهد کرد. از این رو شناخت حقوق مخالفان از یکسو و انتظارات حکومت از سوی دیگر، بستر مناسبی برای پیشگیری از آشوب‌های سیاسی و جلوگیری از تعدیات و تجاوزات دو طرف به حقوق همدیگر خواهد شد، لذا حقوق اجتماعی و سیاسی مردم قابل توجه می‌باشد. در این صورت است که حدود و ثغور آزادی‌های بنیادین و مواردی که منجر به نقض آنان می‌شود، از جمله بغی و محاربه مشمول جرائم کیفری شده و مرتکبان به این اعمال مورد مجازات قرار می‌گیرند.

رویکرد اخیر به شکل دیگری درباره مسأله آزادی بیان، انتشارات اطلاعات برای شفافیت در جامعه به عنوان یکی دیگر از حقوق بنیادین بشری با اعمال جاسوسی قابل بیان است. به عبارت دیگر در این مقایسه نیز می‌توان حدود و ثغور آزادی بنیادین با جرائم علیه امنیت ملی را مشاهده نمود، بدین‌ترتیب رویکرد حکومتداری اسلامی در باب آزادی‌های بنیادین، هرچند آزادی عقیده و بیان و انتشار اطلاعات برای شفافیت را پذیرفته است، اما میان انواع روش‌های انتشار اطلاعات و اخبار تمایز قائل شده است. بنابراین جرائم علیه امنیت و افشای اطلاعات را جرم تلقی نموده و قابل پیگیری است. علاوه بر این، حتی برای جرائمی نظیر جاسوسی، مجرم محکوم شده و اموال شخص جاسوس نیز مصادره می‌شود (۲۰). جاسوسی از جمله مصادیق ناقض امنیت ملی است که حتی برخی فقهای مسلمان فتوا داده‌اند که اگر مسلمانی اقدام به جاسوسی نماید و مطالبی را از مسلمانان به کفار خبر بدهد یا باعث شود تا دشمنان اسلام از طریق اطلاعات داده‌شده بر جامعه اسلامی غلبه نمایند، این عمل را در زمره گناه کبیره تلقی می‌کنند، هرچند در روایات نمی‌توان جاسوسی را از جمله گناهان کبیره دانست، اما بر مبنای حکم عقل، وقتی جاسوسی ضررش به

۸. سهم نویسندگان

نویسندگان مقاله به صورت برابر و با همکاری و مشارکت در گردآوری و تدوین مقاله حاضر نقش داشته‌اند.

۹. تضاد منافع

در مقاله حاضر تضاد منافی وجود ندارد.

به طور نسبی پذیرفته شده است. مؤلفه‌هایی همچون شدت مجازات، بزه‌نگاری گسترده، استعمال تعابیر و اصطلاحات کلی و مبهم، مطلق بودن جرائم امنیتی و پیش‌بینی صلاحیت خاص در رسیدگی از اهم این موارد می‌باشد. همانطور که مشهود است، همه این مؤلفه‌ها دارای قدر جامع شدت در مجازات و عدم مماشات مقنن با خاطی می‌باشد. در حال حاضر برخی از مواد جرائم علیه امنیت مانند مقررات جاسوسی، محاربه و افساد فی الارض، تحریک نیروهای مسلح، تروریسم و سوء قصد، در حقوق کیفری ایران مبهم می‌باشد که هم نیازمند تصریح و هم نیازمند قوانین جامع‌تری است، ضمن اینکه تعریف پذیرفته‌شده از امنیت ملی نیز می‌تواند حدود و ثغور آزادی‌های بنیادین با این مقوله حساس را به نحو بهتری به ما نشان دهد.

در نهایت می‌توان به این نکته پی برد که فرضیه تحقیق حاضر تأیید می‌شود، از جمله اینکه حقوق و آزادی بنیادین و جرائم علیه امنیت ملی از منظر حقوق کیفری اسلام نیازمند پی‌بردن به این مطلب است که تعبیه کردن مجازات و شناسایی مجرمین علیه امنیت ملی، پشتوانه‌ای برای حقوق و آزادی‌های بنیادین است و تنافری میان مجازات کیفری و حمایت از حقوق و آزادی‌های بنیادین وجود ندارد. به دیگر سخن، آنچه تحت عنوان تفکیک میان جرائم تروریستی، جاسوسی، فعالیت مسلحانه و روش‌های قهری با آزادی بیان در چارچوب قانون، انتقاد از وضعیت موجود و عملکرد حاکمان و همچنین دفاع از حقوق عامه مردم با استفاده از شفافیت و گردش اطلاعات مطرح می‌شود، گویای دفاع از حقوق و آزادی‌های بنیادین است، بدین ترتیب بر مبنای نگرش حقوق کیفری در اسلام، تا زمانی که مجازات افرادی که حقوق عمومی جامعه را مورد غفلت قرار داده و به ابزارهای خشونت‌آمیز متوسل می‌شوند، نمی‌توان نسبت به تحقق آزادی‌های بنیادین امیدوار بود.

۷. تقدیر و تشکر

در پایان مقاله از کسانی که در امر تدوین و نگارش مقاله و ارائه نظرات اصلاحی نویسندگان را یاری کردند، تشکر می‌شود.

References:

1. Mc Laren AD, Chung mon E. National Security Management, the American Experience, and Lessons for Third World Countries. Tehran: Institute for Strategic Studies; 1999.
2. Mandel R. The changing face of national security. Tehran: Institute for Strategic Studies; 1999.
3. Berger M, Bak BC. National Security. *Journal of Strategic Studies*. 1999;2(1):196.
4. Vakil A, Askari P. The third generation of human rights. Tehran: Majd; 1993. (Persian).
5. Khaghani Isfahani M. Disambiguation of the limits of free expression with the criteria of criminological theory of labeling. *Journal jurisprudence and communication law*. 2011;3(2):34. (Persian).
6. Pourbafrani H. Crimes against public safety and comfort. Tehran: Jungle; 2010. (Persian).
7. Salari M. Crimes against national security. Tehran: Mizan; 2006. (Persian).
8. Tabatabaei Motameni M. Public Freedoms and Human Rights. Tehran: University of Tehran Publishing; 1995. (Persian).
9. The Holly Quran, Al-Baghareh: 190-193. (Arabic).
10. Alipour H, Kargari N. Crimes against national security. Tehran: Khorsandi; 2010. (Persian).
11. Syed Fatemi M. Human rights in the contemporary world. Tehran: Institute of Legal Studies and Research; 2006. (Persian).
12. Habib Neghad A, Rajabi M, Mirzaei Z. Criminal protection of the fundamental rights of citizens in the Iranian legal system. *Journal of Criminal Law and Criminal Policy*. 2015;1(1):13. (Persian).
13. Majidi M. Crimes against security. Tehran: Mizan; 2006. (Persian).
14. Makarem Shirazi N. Sample Interpretation. Tehran: Dar Alketab Al-Islamieh; 1989. (Persian).
15. Yazdian Jaafari J. Confrontation of individual and national security in crimes against the security. *Journal of criminal law research*. 2015;4(14):43. (Persian).
16. Hashemi H. Terrorism from the perspective of Islamic law and international documents. Qom: Publisher Research Center and University; 2010. (Persian).
17. Rahimi Neghad E, Safarkhani M. Investigating the crime of Rebilion in Imami jurisprudence and Iranian law. *Journal Islamic law*. 2013;11(40):116. (Persian).
18. Pourhosein M. Disobedience and disobedience in the Islamic government. Qom: Qom Seminary Islamic Propaganda Office; 2010. (Persian).
19. Aghababaei H. Jurisprudential discourse and criminology in the field of crimes against security and government. *Journal of Law and Jurisprudence*. 2004;2(5):34. (Persian).
20. Mortazavi S. Crimes against public security and comfort. Tehran: Majd; 2005. (Persian).
21. Mojtahedi AM. Tree Thesis. Qom: Rah Hagh; 2000. (Persian).
22. Ashori M. Criminal Procedure Code. Tehran: Samat; 2006. (Persian).

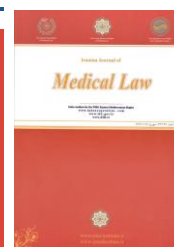


The Iranian Association
of Medical Law

MLJ

Medical Law Journal
2021; Legal Innovation

Journal Homepage: <http://ijmedicallaw.ir>



ORIGINAL ARTICLE

The Limits of Fundamental Rights and Freedoms with Crimes Against National Security in Terms of Islamic Criminal Law

Mohaddeseh Hashemian Jazi¹, Seyyed Hossein Hashemi^{2*}, Mohammad Ebrahim Shams Natri³

1. Ph.D. Student in Law, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.

2. Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Mofid University, Qom, Iran.

3. Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Farabi University, Qom, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Received: 2 October 2021

Accepted: 4 December 2021

Published online: 16 February 2022

Keywords:

Fundamental Freedoms

Criminal Law

Human Rights

Islamic Law

National Security

ABSTRACT

Background and Aim: Adapting fundamental human rights and freedoms to issues such as national security is one of the difficulties of any political and legal system. Given the importance of the discussion, the present article seeks to examine the limits of fundamental freedoms with crimes against national security from the perspective of Islamic criminal law.

Materials and Methods: The present research is of a fundamental and theoretical type. The contents of the present article have been collected by using books, articles and researches.

Results: Lack of security and protection of individuals from internal and external threats, can not organize a free society based on fundamental human rights. The philosophy of criminal law in Islam is to provide security for all citizens, which is also called national security.

Ethical considerations: The present study has been written by considering the principles of citation, accurate and appropriate use of scientific resources and observing ethical and scientific methods in using the resources used.

Conclusion: Adopting punitive positions for armed and terrorist activities, warlords, gardeners and insurgents, is only in order to establish security in the Islamic society. Achieving national security requires criminal law and therefore there is no conflict between fundamental freedoms and national security in Islamic society.

* Corresponding Author:

Seyyed Hossein Hashemi

Address: Department of Criminal Law and Criminology, Mofid University, Qom, Iran.

Postal Code: 37169-67777

Telephone: 25-32955761

Email: Shhashemi@gmail.com

© Copyright (2018) Iranian Association of Medical law, Tehran, Iran.

Cite this article as:

Hashemian Jazi M, Hashemi SH, Shams Natri ME. The Limits of Fundamental Rights and Freedoms with Crimes Against National Security in Terms of Islamic Criminal Law. *Medical Law Journal* 2021; Legal Innovation.